



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۳۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

ارکان استصحاب به عنوان فصل مهمی از مبحث استصحاب جایگاه خاصی در علم اصول داشته و معظم اصولیون در این که این ارکان کدامند اختلاف نظر دارند. شهید صدر (ره) که نظریات اصولی ایشان محور مباحث این سلسه از دروس قرار گرفته، معتقد است که استصحاب چهار رکن دارد: یقین به حدوث، شک در بقاء، وحدت قضیه متیقّه و مشکوکه و ترتب اثر عملی شرعی.

در مطالب پیش گفته، دومین رکن استصحاب تحت عنوان شک در بقاء مورد بررسی قرار گرفت و بیان شد که دو قضیه بر این رکن متفرع خواهند بود. اولین قضیه که عبارت بود از عدم جریان استصحاب فردد مردد به طور تفصیلی بحث شد. در ادامه، در این درس، به تشریح فرع دوم و نتایج آن خواهیم پرداخت.

و القضية الثانية: هي ان زمان المتيقن قد يكون متصلاً بزمان المشكوك و سابقاً عليه، و قد يكون مردداً بين ان يكون نفس زمان المشكوك أو الزمان الذي قبله. ففي الحالة الأولى يصدق الشك في البقاء بلا شك، و اما الحالة الثانية فمثالها ان يحصل لها العلم إجمالاً، بان هذا الثوب اما تنجس في هذه اللحظة أو كان قد تنجس قبل ساعة و طهر، فالنجاسة معلومة التحقق في هذا الثوب أساساً و لكنها مشكوكة فعلاً، و زمان المشكوك هو اللحظة الحاضرة، و زمان النجاسة المتيقنة لعله نفس زمان المشكوك و لعله ساعة قبل ذلك. و في مثل ذلك قد يستشكل في جريان الاستصحاب لأن من المحتمل و ح دة زمانى المشكوك و المتيقن، و على هذا التقدير لا يكون أحدهما بقاء للآخر، فالشك إذن لم يحرز كونه شكاً في البقاء، و بذلك يختل الركن الثانى، فلا يجرى الاستصحاب في كل الحالات التى يكون زمان المتيقن فيها مردداً بين زمان المشكوك و ما قبله

و يمكن دفع الاستشكال بان «الشك في البقاء» بعنوانه لم يؤخذ صريحاً في لسان روايات الاستصحاب، و انما أخذ «الشك» بعد «اليقين» و هو يلائم كل شك متعلق بما هو متيقن الحدوث سواء صدق عليه «الشك في البقاء» أو لا.

و الاستشكال المذكور إذا لم يندفع بهذا البيان يؤدي إلى ان الاستصحاب في موارد توارد الحالتين لا يجرى في نفسه لا من أجل التعارض، فإذا علم بالحدث و الطهارة و شك في المتقدم منهما فهو يعلم إجمالاً بالحدث اما الآن أو قبل ساعة و يشك في الحدث فعلاً، فزمان الحدث المشكوك هو الآن و زمان الحدث المتيقن مردد بين الآن و ما قبله فلا يجرى استصحاب الحدث، و مثل ذلك يقال في استصحاب الطهارة. و بعض معانى ما يقال من عدم اتصال زمان الشك بزمان اليقين.

دومین فرع رکن دوم

بحث ما درباره دو قضیه‌ای بود که بر رکنیت شک در بقاء متفرع می‌شود، در فرع اول بیان شد که استصحاب در فرد مردد طبق تمام فروض قابل تصور، جریان نخواهد داشت. در ادامه، فرع دوم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اگر به زمان متیقن و مشکوک نگاه کنیم، درمی‌یابیم که از دو حال خارج نیست. این دو وضعیت، عبارتند از:

(الف) دو زمان به هم متصلند و زمان شک بعد از زمان یقین است. در غالب موارد، استصحاب به همین شکل است.

(ب) دو زمان محرز نیست که به هم متصل و یکی سابق بر دیگری باشد، بلکه زمان متیقن، مردد است که همان زمان مشکوک باشد یا سابق بر زمان مشکوک باشد.

نکته: متیقن یعنی متعلق یقین و مشکوک یعنی متعلق شک.

حال با توجه به این دو تصور از زمان متیقن و مشکوک، مسئله ما به این شکل خواهد بود که؛ علم اجمالی داریم به نجاست لباس، به این معنی که این لباس یا در زمان حاضر، نجس شده است، یا نجس شدن آن چند ساعت قبل اتفاق افتاده و در حال حاضر پاک شده است. زمان مشکوک؛ یعنی زمان نجاست مشکوک، حال حاضر است، اما در مورد زمان متیقن و به عبارت دیگر، زمان نجاستی که بدان یقین داریم، دو حالت وجود دارد؛ ممکن است همین لحظه لباس نجس شده باشد، و احتمال دارد چند ساعت نجاست پیش لباس اتفاق افتاده و در حال حاضر پاک شده باشد.

در حالت اول شک در بقاء محرز است، اما در حالت دوم نمی‌توان گفت که رکن دوم محقق است؛ زیرا احتمال دارد که زمان نجاست، همان زمان مشکوک باشد.

به جهت این که بحث با دقت بیشتری مطرح شود؛ ضروری به نظر می‌رسد که بر اساس دو مبنای در رکنیت شک در بقاء به بررسی این قضیه پرداخته شود. بر همین اساس، اگر منشاء رکنیت شک در بقاء، ظاهر ادله باشد، استصحاب جاری نخواهد بود؛ زیرا شک در بقاء محرز نیست؛ به تعبیر دیگر، احتمال دارد تحقق نجاست در همان زمان شک باشد و این شک در بقاء نیست، شک در خود نجاست است.

اما طبق مبنای دوم، به این معنی که چون استصحاب حکم ظاهری است و باید با قاعده یقین فرق داشته باشد، بنابراین شک در بقاء هرچند به صورت یک احتمال وجود داشته باشد، کافی است تا استصحاب جاری شود.

به تعبیر دیگر هرگاه ذات متیقن و مشکوک یکی بود و احراز شد زمان هم یکی است، قاعده یقین جاری است و هرگاه وحدت زمانی این دو احراز نشد، قاعده استصحاب جاری است.

در اینجا هم احتمال شک در بقاء کفایت می‌کند؛ به این معنا که احتمال عدم وحدت متیقن و مشکوک از حیث زمان کفایت می‌کند.

نکته

در قاعده یقین باید وحدت ذاتی و زمانی متیقن و مشکوک احراز شود، اما در قاعده استصحاب باید وحدت ذاتی و تغایر زمانی باشد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و القضية الثانية: هي ان زمان المتيقن قد يكون متصلاً بزمان المشكوك و(١) سابقاً عليه، و قد يكون(٢) مردداً بين ان يكون نفس زمان المشكوك أو الزمان الذي قبله(٣). ففي الحالة الأولى يصدق الشك في البقاء بلاشك، و اما الحالة الثانية فمثالها ان يحصل له(٤) العلم إجمالاً، بان هذا الثوب اما تنجس في هذه اللحظة أو كان قد تنجس قبل ساعة و ظهر، فالنجاسة معلومة التحقق في هذا الثوب أساساً و لكنها مشكوكه فعلاً، و زمان المشكوك هو اللحظة الحاضرة، و زمان النجاسة المتيقنة لعله نفس زمان المشكوك و لعله ساعة قبل ذلك . و في مثل ذلك قد يستشكل في جريان الاستصحاب لأن من المحتمل وحدة زماني المشكوك و المتيقن، و على هذا التقدير لا يكون أحدهما بقاء للآخر، فالشك إذن لم يحرز كونه شكاً في البقاء، و بذلك يختلف الركن الثاني(٥)، فلايجرى الاستصحاب في كل الحالات التي يكون زمان المتيقن فيها(٦) مردداً بين زمان المشكوك و ما قبله.

١. واو: تفسير متصل.

٢. مرجع ضمير «يكون»: زمان متيقن.

٣. مرجع ضمير: زمان مشكوك.

٤. مرجع ضمير: مكلف

٥. اين قول مبني بر استظهار شك بر بقا از ظاهر لسان ادله است.

٦. مرجع ضمير: كل الحالات

Sco ١: ١٦: ٠٣

جریان استصحاب بر اساس مبنای اول

در مطالب پیش گفته بیان شد که در قضیه دوم، بین رکنیت شک در بقاء بر اساس دو مبنا تفاوت وجود دارد، اما اکنون در صدد آنیم که بیان کنیم؛ حتی طبق مبنای اول اگر رکنیت شک در بقاء را از ادله استصحاب استظهار کنیم، در جایی که احتمال وحدت زمان متيقن و مشكوك می‌رود، امکان اجرای استصحاب وجود دارد.

توضیح مطلب

در دلیل استصحاب عنوان شک در بقاء وجود ندارد و صرفاً در این روایات عنوان شرک بعد از عنوان یقین اخذ شده است. چون شک در بقاء در لسان ادله استصحاب وجود ندارد، بنابراین احراز وحدت ذاتی متيقن و مشكوك کافی است و برای آن‌که مشكوك بقای متيقن باشد باید بقا بعد از حدوث باشد، اما از حیث زمان، احراز وحدت لازم نیست. لکن از آنجا که لازم است بین استصحاب و قاعده یقین تفاوت وجود داشته باشد، احتمال تغایر زمانی کافی است. با پذیرش این قول دیگر فرقی بین اخذ رکنیت از ظاهر ادله استصحاب یا از برهان مذکور وجود نخواهد داشت. اما در صورت عدم پذیرش آن؛ در موارد توارد حالتین بر یک موضوع نمی‌توان استصحاب را جاری کرد هرچند تعارضی وجود نداشته باشد.

سوال: مراد از توارد حالتین بر موضوع واحد چیست؟

پاسخ: مراد این است که یک موضوع، مورد دو حالت متضاد قرار بگیرد و ندانیم که کدام یک از این دو حالت مقدم بر دیگری است. برای مثال مکلف می‌داند که حدثی از او صادر شده است و در عین حال وضو هم گرفته است اما نمی‌داند ابتدا محدث شده و بعد وضو گرفته است یا برعکس و در نتیجه نمی‌داند در حال حاضر محدث است یا متطهر. طبق قول مشهور، در چنین مواردی استصحاب جاری است به شرط آن که با استصحاب دیگر تعارض نکند. اما واقعیت امر این است که پیش از آنکه نوبت به تعارض برسد هیچ کدام از دو استصحاب جاری نخواهد بود؛ زیرا احتمال می‌دهیم زمان متیقن و مشکوک یکی باشد؛ زمان حدث مشکوک حال حاضر است اما زمان علم به حدث دو حالت دارد:

(الف) ابتدا وضو گرفته بعد از او حدث صادر شده باشد در این حالت زمان حدث، حال حاضر است.

(ب) ابتدا محدث بوده بعد وضو گرفته باشد، در این حالت زمان حدث معلوم، قبل از زمان شک در حدث است.

با این دو احتمال، وحدت زمان متیقن و مشکوک محرز نیست. عین همین حالت را برای طهارت هم می‌توان بیان کرد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و یمكن دفع الاستشكال بان «الشك في البقاء» بعنوانه (۱) لم يؤخذ صريحاً في لسان روايات الاستصحاب، و انما أخذ «الشك» بعد «اليقين» (۲) و هو يلائم كل شك متعلق بما هو متيقن الحدوث سواء صدق عليه «الشك في البقاء» أو لا (۳).

و الاستشكال المذكور إذا لم يندفع بهذا البيان يؤدي إلى ان الاستصحاب في موارد توارد الحالتين لا يجري في نفسه (۴) لا من أجل التعارض، فإذا علم بالحدث و الطهارة و شك في المتقدم منهما فهو يعلم إجمالاً بالحدث اما الآن أو قبل ساعة و يشك في الحدث فعلاً (۵)، فزمان الحدث المشكوك هو الآن و زمان الحدث المتيقن مردد بين الآن و ما قبله فلا يجري استصحاب الحدث، و مثل ذلك يقال في استصحاب الطهارة. و هذا بعض معاني ما يقال (۶) من (۷) عدم اتصال زمان الشك بزمان اليقين.

۱. یعنی: شک در بقاء بما هو هو.
۲. لا تنقض اليقين ابداً بالشك.
۳. لا يصدق
۴. یعنی: اگر تعارض هم نباشد، استصحاب مجال جریان ندارد.
۵. یعنی: حال حاضر
۶. مرحوم صاحب کفایه معتقدند که باید اتصال زمان شک و یقین احراز شود و در صورت وجود شبهه عدم اتصال، استصحاب جاری نیست.^۱
۷. من: بیانی، بیان ما يقال.

Sco^۲:۳۱:۰۱

^۱ . این بحث در باب استصحاب مجهولی التاريخ صفحه ۵۲۳ تحت عنوان شبهه انفصال زمان شک از زمان یقین، بیان خواهد شد.

۱. زمان متیقن و مشکوک، یا به هم متصلند و زمان شک بعد از یقین است یا زمان متیقن مردد است که همان زمان مشکوک باشد یا سابق بر زمان مشکوک.
۲. متیقن یعنی متعلق یقین و مشکوک یعنی متعلق شک.
۳. در حالتی که زمان متیقن مردد است، اگر منشاء رکنیت شک در بقاء، ظاهر ادله باشد، استصحاب جاری نخواهد بود. اما طبق مبنای دوم، شک در بقاء هرچند به صورت یک احتمال وجود داشته باشد، کافی است تا استصحاب جاری شود.
۴. در قاعده یقین باید وحدت ذاتی و زمانی متیقن و مشکوک احراز شود، اما در قاعده استصحاب باید وحدت ذاتی و تغایر زمانی باشد.
۵. جهت دفع اشکال عدم جریان استصحاب بیان شده است که چون شک در بقاء در لسان ادله استصحاب وجود ندارد بنابراین احراز وحدت ذاتی متیقن و مشکوک کافی است و از حیث زمان، احتمال تغایر زمانی کافی است.
۶. در موارد توارد حالتین بر یک موضوع نمی‌توان استصحاب را جاری کرد هرچند تعارضی وجود نداشته باشد.